

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تدبر در قرآن

سوره مبارکه شرح

استاد ضرابی اسفند ۱۳۹۹

جلسه اول ۹۹/۱۲/۸

آیه شریفه : «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ - به نام خداوند رحمتگر مهربان»

عنوان : صبح زیبای دیگر

هر بار که می‌رسیم به ابتدای سوره ای جدید و می‌خواهیم به بحث «بسم الله الرحمن الرحيم» بپردازیم، خداوند مانند روزهای زندگی‌مان در دنیا، یک صبح جدید را برای آغاز یک روز جدید پر برکت و زیبا به ما هدیه می‌کند؛ این روزها در کنار هم سالیان عمر معنوی ما می‌شوند که سراسر آن نور است؛ نورهایی از جنس معرفت و شهود قلبی که ما را در سفر آخرت، در راه رسیدن به اقامتگاهی که به آنجا تعلق داریم، در سفر بسوی جوار محبوب ازلی، هدایت می‌کنند .

خداوندا در این صبح صادق زیبا ، در آغاز سوره ی انشراح از دریای بیکران رحمتت باید کدامین نعمتت را جستجو کنیم؟ پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید: «من تقاضائی از پروردگارم کردم که دوست می داشتی آن تقاضا را نکرده بودم، عرض کردم: خداوندا! جریان باد را در اختیار بعضی از پیامبران قبل از من قرار دادی، و بعضی از آنها مردگان را زنده می‌کردند. خداوند به من فرمود: آیا تو یتیم نبودی پناهت دادم؟

گفتم: آری. فرمود: آیا گمشده نبودی هدایتت کردم؟ عرض کردم: آری، ای پروردگار! فرمود: آیا سینه تو را گشاده، و پشتت را سبک بار نکردم؟ عرض کردم: آری ای پروردگار» (مجمع البیان، جلد ۱۰، صفحه ۵۰۸)

صبح است و صبا مشک فشان می‌گذرد دریاب که از کوی فلان می‌گذرد
برخیز چه خسبی که جهان می‌گذرد بوئی بستان که کاروان می‌گذرد

عنوان: نیاز ما به نعمت خداوند تا چه اندازه است؟

خداوندا! در دعای ماه رجب به ما آموخته‌ای که هر روز تکرار می‌کنیم نیازمان در نعمتت به اندازه جمیع خیر دنیا و الآخرة، و در امنیتت، به اندازه مصونیت از جمیع شرّ دنیا و الآخرة است.

شاید این تکرار و یادآوری بخاطر آن است که می‌بینی ما از بیکرانه نعمتت تنها به خور و خواب حیوانی بسنده کرده‌ایم و وسعت نیازمان را در سرای ابدی از یاد برده‌ایم؟

در حدیث قدسی فرموده‌ای: «يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا غَنِيٌّ لَا اُفْتَقِرُ اَطْعِنِي فِيمَا اَمَرْتُكَ اَجْعَلْكَ غَنِيًّا لَا تَفْتَقِرُ يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا حَيٌّ لَا اَمُوتُ اَطْعِنِي فِيمَا اَمَرْتُكَ اَجْعَلْكَ حَيًّا لَا تَمُوتُ يَا ابْنَ آدَمَ اَنَا اَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ اَطْعِنِي فِيمَا اَمَرْتُكَ اَجْعَلْكَ تَقُولُ لِشَيْءٍ كُنْ فَيَكُونُ - ای فرزند آدم، من غنی و بی‌نیاز هستم، تو هم از دستورات من اطاعت کن تا تو را هم غنی کنم تا فقیر نشوی. ای فرزند آدم، من زنده‌ای هستم که نمی‌میرم تو هم از من اطاعت کن تا تو را هم زنده‌ی جاودانه کنم. من به هر چیزی بگویم باش موجود می‌شود، تو هم به دستورات من عمل کن تا اراده‌ات مثل اراده من باشد.» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۳۱۱؛ حرعاملی، ۱۳۸۰: ۲۴۴).

پروردگارا در مقابل خواسته و توقعی که از ما داری قلب‌هایمان را خالی از ذکر و یاد خودت می‌بینی و بیممان می‌دهی که: «... فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ فُلُوْبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ اَوْلَيْكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ - آیا آن کس را که خدا برای اسلام شرح صدر (و فکر روشن) عطا فرمود که وی به نور الهی روشن است (چنین کس با مردم کافر بی

نور تاریک دل یکسان است)؟ پس وای بر آنان که از قساوت (و شقاوت) دلهاشان از یاد خدا خالی است! اینان هستند که دانسته در ضلالت و گمراهی‌اند.» (زمر/۲۲)

خرما نتوان خورد از این خار که کشتیم دیبا نتوان بافت از این پشم که رشتیم

ما را عجب ار پشت و پناهی بود آن روز کامروز کسی را نه پناهییم و نه پشتیم

عنوان : گشادگی سینه و تنگنای آن

«شرح صدر» در حقیقت، نقطه مقابل «ضیق صدر» است، چنان که در آیه ۹۷ سوره «حجر» می خوانیم: «وَلَقَدْ نَعَلْنَاكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ بِمَا يَقُولُونَ - (ما می دانیم که سینه تو به خاطر گفتگوهای [مغرضانه] آنها تنگ می شود)»

شرح صدر در وجود انسان این است که طوفان ها، آرامش اقیانوس روح او را بر هم نزنند، مشکلات، او را به زانو در نیاورد، کارشکنی های دشمنان، مایوسش نسازد، سوالات از مسائل پیچیده، او را در تنگنا قرار ندهد و این عظیم ترین هدیه الهی به رسول الله بود. در سوره ی مبارکه ی انشراح با توجه به اولین و آخرین آیه که خداوند، فراز و فرود سوره را در موضوع شرح صدر خلاصه نموده و جوهره و اساس آن را رغبت و اشتیاق به خود معرفی نموده است، باید به یاد سخن پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) افتاد که فرمود: «فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: "أَمْ مَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ - الزمر: ۲۲" إِنَّ النُّورَ إِذَا وَقَعَ فِي الْقَلْبِ انْفَسَحَ لَهُ وَ انشَرَخَ . قالوا : يا رسولَ اللَّهِ ، فَهَلْ لِذَلِكَ عِلْمَةٌ يُعْرَفُ بِهَا ؟ قَالَ : النَّجَافِي عَنِ دَارِ العُرُورِ وَ الإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الخُلُودِ ، وَ الإِسْتِعْدَادُ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِ المَوْتِ - پیامبر (صلی الله علیه و آله) درباره آیه «آیا کسی که خداوند سینه اش را برای اسلام فراخ گرداند و در نتیجه نوری از سوی پروردگارش دارد» فرمود : این نور هرگاه در دل بیفتد، دل برایش باز و فراخ گردد . عرض کردند : ای رسول خدا! آیا برای شناخت این امر، نشانه ای هم هست؟ فرمود : دوری کردن از سرای فریب (دنیا) و روی آوردن به سرای جاودانه (آخرت) و آماده شدن برای مرگ، پیش از فرا رسیدن آن»(بحار /

(۱۱۰/۱۲۲/۷۳)

بشارت و انذار در این آیه شریفه نکات دیگری را هم برای مؤمنین مطرح نموده است: «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ - پس هر که را خدا هدایت او خواهد قلبش را برای پذیرش اسلام باز و روشن گرداند و هر که را خواهد گمراه نماید (به حال گمراهی واگذارد) دل او را از پذیرفتن ایمان تنگ و سخت گرداند که گویی می‌خواهد از زمین بر فراز آسمان رود. این چنین خدا آنان را که به حق نمی‌گروند مردود و پلید می‌گرداند.» (انعام/۱۲۵)

آینه دل که پر از نور باد

از نفس تیره دلان دور باد

روایت از امام رضا (علیه السلام) است که: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا اخْتَارَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأُمُورِ عِبَادِهِ شَرَحَ صَدْرَهُ لِذَلِكَ وَ أَوْدَعَ قَلْبَهُ بِنَابِيعِ الْحِكْمَةِ وَ أَلْهَمَهُ الْعِلْمَ الْإِلَهَامًا فَلَمْ يَعْى بَعْدَهُ بِجَوَابٍ وَ لَا يُحَيِّرُ فِيهِ عَنِ الصَّوَابِ - وقتی خداوند شخصی را برگزیند (انتخاب کند)، به او شرح صدر و قدرت اندیشه در این راه می‌دهد و دلش را منبع حکمت قرار داده به او علم الهام می‌کند در جواب فرو نمی‌ماند و از واقع بینی عاجز نیست او معصوم و مؤید و موفق و پشتیبانی شده از جانب خدا و محفوظ از خطا و لغزش است به او خداوند این امتیازات را می‌بخشد تا حجت و گواه او در میان بندگان باشد.» (الکافی ج ۱ ص ۲۰۱)

« ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ - این فضل خداست که به هر کس بخواهد [و شایسته بداند] می‌بخشد؛ و خداوند دارای فضل عظیم است.» (جمعه/۴)

در روایت دیگری با تأکید بر اینکه باید بندگان بدانند، چنین آورده است: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ شَرَحَ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَإِذَا أَعْطَاهُ ذَلِكَ أَنْطَقَ لِسَانَهُ بِالْحَقِّ وَ عَقَدَ قَلْبَهُ عَلَيْهِ فَعَمَلَ بِهِ - بدانید که وقتی خداوند خیر بنده ای را بخواند سینه اش را برای فهم اسلام گشاده می‌کند و به دنبال آن زبانش را برای بیان حق گویا می‌

سازد و قلبش را برای حق محکم می سازد تا به حق عمل کند.» (الکافی ج ۸ ص ۱۳)

در چنین دریا که عالم ذره‌ای است ذره‌ای هست آمدن یارا کراست
گر ازین دریا بگیری قطره‌ای زیر او پوشیده صد دریا بلاست

عنوان : آنچه باید از خداوند خواست

اگر کسی بخواهد به حقیقت، دین را بشناسد و به آن عمل کند و به مقصد برسد، باید از شرح صدر برخوردار باشد؛ زیرا حقایق و معارف گسترده و سختی های عمل به آن در دل‌های تنگ جا نمی‌گیرد.

خداوند با این آیات و روایات به روشنی به ما می‌گوید که باید از او شرح صدر بخواهیم آنچنان که به حضرت موسی آموخت: « قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي * وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي - (موسی) گفت: پروردگارا! (اکنون که مرا به این کار بزرگ مأمور فرمودی) سینه‌ام را برایم گشاده گردان (و بر صبر و حوصله‌ام بیفزا). و کارم را برایم آسان فرما. و گره از زبانم باز نما. تا (آنها) سخنان مرا (خوب) بفهمند.»

امیرالمؤمنین علی(ع) درباره شرح صدر و رابطه آن با ویژگی‌ها و صفات انسان مؤمن می‌فرماید: «شادی مؤمن در چهره‌اش و غصه‌اش در قلبش است و از نظر قوه تحمل و شرح صدر، بیشترین ظرفیت را دارد و خود را از هر چیزی کوچکتر می‌بیند» (سید رضی، ۱۴۱۷: ۱۸۰)

از حضرات معصومین (علیهم السلام)، به ویژه پیامبر اکرم(ص) و امام رضا(ع) این دعا وارد شده است: «اللهم طهرنی و طهر قلبی و اشرح لی صدی - خدایا مرا و قلب مرا پاک گردان و به من شرح صدر بده» (ابن قولویه، ۱۳۷۵: ۳۲۴)

آنچه گفته شد نشان از این حقیقت دارد که نعمت «شرح صدر» احتیاج به یک تأیید الهی و ربانی دارد. همانطور که در مورد پیغمبر اسلام (صلی الله علیه و آله) چنین واقع شد که فرشتگان آسمان، سینه و قلب مبارکش را شستشو دادند، و آن را

از علم و دانش و رأفت و رحمت پر کردند. (المیزان»، جلد ۲۰، صفحه ۴۵۲) اینک خداوند را سوگند می‌دهیم به رحمت بی‌منت‌هایش در عظیم‌ترین آیه قرآنش، آنچنان اشتیاق و عشقی نسبت به خودش عطایمان کند که بخاطر رضایش پای همه چیزش بایستیم.

گفتم عشق را شبی: «راست بگو، تو کیستی؟» گفت: «حیات باقیم، عمر خوش مکررم»

گفتمش: «ای برون زجا، خانه تو کجاست؟» گفت: «همره آتش دلم، پهلوی دیده ترم»